

حقیقت

شماره ۱۲۶ * ۲۳ خرداد ۱۳۶۰

پرکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا مقدمه سازش خفت بار با آمریکا و تسلیم بخشی از خاک وطن به رژیم مزدور عراق است. صفحه ۱۰

کودتا چیان حاکم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند!

مبارزه را در همه جا تشدید کنید

هدین انقلاب اسلامی، گروه از خمینی و کشاندن امام بیک امل، گروهی از افسران ارتش، انجمن های اسلامی و ۱۷ خرداد (۱۳۶۰) کشور را بیک بحران سیاسی و حکومتی خطرناک فرو افکنده و تا کنون موفق شده اند با گرفتن حکم توقیف روزنامه

رویدادهای چندروزه گذشته در تهران، بستن روزنامه ها، هجوم سازمان یافته به اجتماعات مردم و بیگنیه بینه های دسته جمعی خیابانی، درخیا با آنها با شعارها علیه رئیس جمهور و ادای دشنامهای رکبک به مردم و غیره، دقیقاً زمینه سازی اجرای نقشه کودتا و کشتار وحشیانه ایست که ارتجاع، نوکیسه و خیانت پیشه حاکم برای آن روز شماری میکنند (رجوع

بقیه در صفحه ۲۴

کارنامه یکساله مجلس شورای اسلامی (۱)

یکسال پیش، در آغاز کار "مجلس شورای اسلامی"، نمایندگانش به جماران رفتند و به حضور خمینی رسیدند. فخرالدین حجازی - نماینده "اول!! تهران - درس خوان "افتتاحیه خود آیت الله خمینی را با صفاتی چون "قائدا"، "رهبر"، "امام"، "ایمان مدارا" و کسی که "مصباح" جانش آنچنان میدرخند که تاریکی زمان را در هم می پیچد" و کسی که "نورالله" در "زجاجه" پیشانی بلندش میدرخشد" و "سلیمان زمان" و "داود عمر" و کسی که "ایران" برای حکومتش "تنگ" است و خدا وعده حکومت جهان را به او داده است و "زیتونه" مبارکه و "پارسای شب" و "شیر روز" مخاطب قرارداد، از همین جابلسی افراطی این "نماینده اول" معلوم بود که چه شایدان و دو بهم زن هایی به مجلس "راه" یافته اند و چه بلایی بر سر این ملت و این انقلاب خواهند آورد.

صفحه ۲

خبرهایی از رویدادهای چند روز گذشته

صفحه ۲۴

تقلب تلویزیونی در پخش مراسم پانزده خرداد

صفحه ۹

جمهوری ولایت نشینه نمیشود!

صفحه ۹

مرگ بر استبداد در پرده دین

کودتایان حاکم

بقیه از صفحه اول

توده های مردم سراسر کشور، در تهران و سایر شهرها، روبرو هستند. بی گمان آتش ایمن خشم سرانجام حکومت نیرنگ و خیانت آنها را آتش خواهد زد و این دزدان قدرت را به همان جهنمی خواهد فرستاد که محمد رضا شاه و دارودسته جنایتکارش رافرستاد.

وضع کاملاً روشن است: یا با مردم و انقلابشان، یا توده های زجرکشیده و خیانت دیده ای که حاضر به تحمل حاکمیت مثنی یا غی خیره سر و قبیح بوی بندگان ابرقدرت هان نیستند، یا با این بی باغی ها، با ایمن پست فطرت هائی که نقشه کودتایان و کشتار خلق را میکنند و هم اکنون کام به کام به اجرای آن مشغولند.

برای ما هم مانند بسیاری از توده های ملت خویشتن جای تاسف است که خمینی هم با اردوی کودتای حاکم، با این دزدان خیره سر که از پیش زدوبندهایشان را با ابرقدرتها کرده اند، هم آوازی میکنند و توری ملت میایستند. این مسئله تنها احتمال تبدیل ایران را بیک لبستان ناشی، بیک آنگولای دیگر، افزایش خواهد داد؛ لیکن خطرناک تر از آن ادامه و تحمل حاکمیت حزب حاکم و اشرار خود فروخته است که امروزشورا بعالی قضائی، دولت و اکثریت مجلس کنونی را تشکیل داده و بی محاسبات آزادی را سرکوب میکنند و کشور را در خطر رژیم

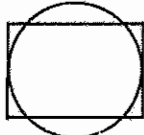
دست نشانده، محمد رضا شاه به بردگی، وابستگی و اسارت ابرقدرتها و امپریالیستها خصوصاً آمریکا در میآورند. شگفتی ندارد اگر امروز ما می بینیم تحلیلگران تلویزیون سی. بی. اس آمریکا در باره فواید نزدیک با حزب جمهوری اسلامی سخن می رانند و یا رادیویی سی. بی. سی لندن تفاسیری بِنفع حزب حاکم و همدستانش در درگیری بزرگ کنونی پخش میکنند و بلندگوهای تبلیغاتی همسایه شمالی به مدح و ثنائی ایمن خیره سران می پردازند. این شمایل وجهت گیری امپریالیستها بی دلیل بوجود نیامده است؛ بلکه آن نتیجه ۵ میلیارد دلار باجی است که دولت تحمیلی رجائی و شرکاء به دولت ریگان و بیا نکساران آمریکا و غیراً آمریکائیان داد؛ نتیجه تجدید قرارداد های رژیم خائن پهلوی با کارتل های بین المللی و شرکت های امپریالیستی نظیر تالپوت و کروب و لیلاند موتور و غیره است؛ نتیجه آن است که امپریالیسم همیشه با استبداد با هر رنگ و بوی پیش همراهی میکنند و دارودسته های مستبد و قلدر همیشه افسزار دست امپریالیستها بینند.

ما به مردم ایران اعلام میکنیم که اگر این دارودسته قلدر و تاریک اندیش در اجرای نقشه کودتای خائنانه اش موفق شود و بربرای و نظرمست چیره گردد انقلاب و کشور هر دو از دست خواهند رفت و ملت ایران با ما شب عظیمی روبرو خواهد شد. اولین نتیجه آن شکست مفتضحانه و بعد سازش خفت بار بر سر جنگ با نجا و زکاران عراقی و آمریکا و از دست رفتن بخشی از خاک کشور است. نتیجه بعدی آن در غلتیدن کشور به یک دوره جنگهای درهم داخلی میان دارودسته های گوناگون،

قحط و غلا و فلاکت عظیم برای توده ها و همچنین مداخلات مستقیم ابرقدرتها و شرق و غرب در امور داخلی ایران است. تنها راه نجات از این وضع اتحاد توده های عظیم ملت، ایستادگی بر هدفهای انقلاب بهمن و تشدید نبرد متحدانه توده های انبوه مردم و همه جناحهای آزادیخواه و ضد امپریالیست برای برانداختن این دارودسته و اشیات حاکمیت مردم است. مسرمد باید استوار در برابر حرف زور بایستند و حاکمیت خود را ثابت کنند. این دولت و مجلس و دستگاه قضائی و کلیه احزاب و دستجات چماق دارو خائنه به انقلاب و کشور بایبیر و نند و سرانشان به حسابرسی و محاکمه کشیده شوند. زندانها باید از آزادیخواهان و طرفداران سازمانهای انقلابی و مترقی خالی گردد و به این دستگیریها و بازداشت های دسته جمعی در خیا با آنها و قتل های سیاسی و وحشیانه ای که خصوصاً این روزها بدست اشرار حزب الهی و محرکین خائن آنها صورت میگیرد پایان داده شود. باید مطبوعات و قلم آزاد شود و مردم حق بیان خواسته ها و اعتراضهای خویش و حق اجتماع و تظاهرات و ادعای داشته باشند و قلدردی و چماق داری و بلوا سازی دستجاتی از قماش فدائیان اسلام، که یکبار خدمات خودشان را به استبداد و امپریالیسم در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نشان دادند و اکنون هم دوباره به همان خیانتهای سابق مشغولند، خاتمه پیدا کند. باید از دادن امتیاز به ابرقدرتها و بستن قرارداد های خانمان بر اندازنده با نکها، شرکتها و انحصارات کشورهای امپریالیستی، که هم اکنون دولت و مجلس به آن مشغولند، جلوگیری و به حاکمیت و وطن فروشها و خود فروش خنگان بر کشور پایان داد.

باید مردم ایران هشیار باشند که حزب جمهوری اسلامی و دولت نوکرمفرت رجائی مشغول زد و بند با آمریکا و عراق، بر سر جنگ کنونی و خاک کشور است و باید در برابر چنین خیانت عظیمی ایستاد.

ما در این درگیری بزرگ سیاسی همه مردم و دروازه اول طبقه کارگران انقلابی کشور را فرا میخوانیم که مواضع قاطع خودشان را در برابر زورگویان و وطن فروشان حاکم اعلام کنند و در برابر برطراخان کودتاسا و کشتاری که زمینه سازی میشود به مقابله برخاسته و متحدانسه نقشه آنها را نقش بر آب سازند. باید در همه کارخانجات، محلات، بازاری و مدارس و هم چنین در روستا ها گروه های مقاومت توده ای و کمیته های رهبری کنند. مبارزه بوجود آید و جنبه متحدی از همه طبقات و قشرهای مردم و نیروهای واقعا متعهد به آزادی و استقلال کشور ما زمان پیدا کند. کارگران باید به روشی ممکن در برابر بیورش و وحشیانه جدید مرتجعین حاکم به آخرین بقایای آزادی و حقوق مردم بایستند، اعتماد کنند و به تظاهرات برخیزند. بازارها باید از کسب و کار معمولی دست کشیده و کشور را دریا بند، که عنقریب از دست خواهد رفت و طعمه مثنی خائن انحصارگرو ابرقدرتها خواهد گشت. جوانان باید دوباره قدم به خیابانها گذارند و مردم را تشویق به اعتراض و راهپیمائی و مبارزه انقلابی کنند و از حملات گستاخانه مثنی را اذل چماق دار و ژندست، که بزوی خلق خویش آتش میگشایند، بی مبطل راه ندهند که در برابر اراده واحد مردم هیچ کس هیچ غلطی نتواند کرد.



خبرهایی از رویدادهای چند روز گذشته

در این چند روز درگیری بزرگ مردم با یورش جدید و کودتاگرانه، دارودسته، مرتجع و خائنانه، حاکم خبازی که از نقاط مختلف تهران و کوسه و کنار کشور تا کنون بدست ما رسیده، همه حاکمی از وجود یک خصم و ناآرامی در میان مردم است. در همه جا بحثهای بزرگی جریان دارد و مردم خواهان ایستادگی در برابر حرکت انحصارطلبانه و رازناخته، دولت و مجلس و دستاویزی و بطور کلی دسیسه باران حاکم برای حذف ریاست جمهوری و غصب کامل قدرت میباشند.

کارخانجات تهران

کارگران عموماً واکنس منفی و سردی در برابر سخنان ۱۸ خرداد ماه خمینی نشان دادند و بسیاری از توب و تشرهای دیکتاتورانه بآنچه او خشمگین گردیدند.

در کارخانه پارس - الکتریک کارگران به محرد شنیدن سخنان ۱۸ خرداد امام یکبارچه فریاد کشیدند: "مرک بر بهشتی"، "حرب چماق بدستان با پیدیره کورستان". تلاش زیادی صورت میگیرد که کارگران این کارخانه را آرام کنند. توده ای اکثریتی های خائن در اینجا کاملاً در انفعال و بی زبانی بسر میبردند، و چپ نماهای گنج سرعاطل و باطل بدور خود چرخ میزنند.

در کارخانه پروفیل نیمه سیک (۱۹ خرداد) در همه قسمتها عکسهای بیتی صدرار به نشانه اعتراض به یورش کودتاگرانه اخیر را لای بردند. کارگران میخواستند بطور در حدیث با حزب حاکم تهیه کنند.

در کارخانه مینو، نطق ۱۸ خرداد خمینی از طریق بلندگوها پخش میشود، و کارگران به مخرد شنیدن حرفهای او چنان ناراحت و عصبانی میشوند که تا کجا نافرمانی سوارها نشی علیه خمسی در سراسر کارخانه می بیجد.

در کارخانه پارس - الکتریک کارگران به هنگام نیاز سوار مرک بر بهشتی میدهند.

در کارخانه کفش جم، بخش زبان با شعار "حزب چماق بدستان، با پیدیره کورستان" تنفر خود را از دارودسته حاکم اعلام داشتند (۱۹ خرداد).

در کارخانه زکا رخا نجا تهران که علامه "هنداربه ملت ایران" اتحادیه کمونیستهای ایران، در باره نقشه کودتای خائنانه حزب حاکم، پخش میشود، با استقبال وسیع کارگران رو برو میشود.

در کارخانه مالی بیل، بتن سازی بابک و چند جای بررسی شده، دیگر هم جو عمومی کم و بیش به همان ترتیب باقی ماند.

اعتصاب پالایشگاه شیراز

اخیراً پالایشگاه شیراز با چند خواست اقتصادی و همچنین خواست انحلال انجمن اسلامی آنجا اعتصاب کرده و روز ۱۷ خرداد پالایشگاه اصفهان رسماً پشتیبانی خود را از اعتصاب یاد شده اعلام کرد. کارگران این پالایشگاه همپس از این اعلام رسمی به کم کاری دست زده اند.

در سطح شهر تهران در چند روز گذشته، روزهای ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

خرداد، نظراتهای پراکنده چند صد تا چند هزار نفره به حمایت از بنی صدربا شعار - هائی علیه سران حزب حاکم و دولت جریان داشته، که غالباً به درگیری و زد و خورد با اشرار حزب الهی و افراد سپاه پاسداران منجر شده و تعداد زیادی زخمی و چند نفر شهید شده اند. همچنین سپاه و کمیته ها با مساعبد دستجات شور و ماجا قدر در این روزها بمناسبت های مختلف عده زیادی را دستگیر و بازداشت کرده اند.

اجتماع روز سه شنبه تهران

روز سه شنبه از حدود ظهر تا بعد از ظهر همان روز در حوالی لی بهبودی، تادمان، خوش، اسکندری، نواب، بیمارستان امام خمینی، میدان انقلاب تا حدود بلوار کماروز در خیابان کارگروا زوسی دیگر تا زیر پل حافظ در خیابان انقلاب چند صد هزار نفر توده مردم به حمایت از بنی صدربا شعار کرده بودند. در اسن میان چند هزار نفر به حمایت از حزب مسز دور حاکم بطور پراکنده حرکت میکردند، که بیشترین تعداد آنها در حوالی میدان انقلاب بود.

در جریان اجتماع مردم تهران در حوالی میدان انقلاب و دانشگاه در روز سه شنبه ۱۹ خرداد، که به حمایت از بنی صدربا شعار اعلام مخالفت با توطئه کودتاگرانه، اخیراً مده بودند، برخوردهائی با چند دسته، شوره ۷-۶ نفره (با صلاح حزب الهی) صورت گرفت و سپس با ورود افراد سپاه و تیراندازی آنها عرصه قرق اشرار و عده ای افراد ناآگاه

که بدنیا ل خود کشیده بودند گردید. در این زمان تشکیلات ورهیری معنی در کار نرسود و این بود که اجتماع مردم ننواست به یک حرکت متحدانه دست برند.

در جریان حمله، دستجات سرور حزب الهی و پاسداران حتی به مادران و فرزندان حد ساله و حتی حدما هه آنها هم رحمی نمی شد و آنها را نا جوان مردانه و نا کمال بیشرمی با قنناق تفنگ و سنگ و غیره به جان آنها افتادند. آنها و حبسانه جا در از سردختران کشیده و لباس بسیاری را پاره کردند. هم چنین تعداد زیادی در این روز دستگیر شدند، فقط در بیمارستان امام حدود ۳۰ زخمی آوردند.

قابل توجه است که در جریان درگیریهای میدان انقلاب در این روز حدود ۱۰ تا از ماشینهای عراقی و عده ای سرباز، که از حبسه برگشته بودند، از محل درگیری عبور میکردند؛ در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: هر سرباز در حبسه یک انقلاب اسلامی است. و همچنین شعار درود بر بنی صدر میدادند.

تبریز

به غیر از خیر تعطیل بازار تبریز اخباری پراکنده درباره وضع ناآرام تبریز و حتی برخی درگیریهای مسلحانه در این شهر بدست ما رسیده، که فعلاً وارد تحقیق میشود.

آستارا

طبق خبر موثقی واکنش (بقیه در صفحه ۹۴)

کارنامه ...

بعضی از صفحه اول

یک سال بعد، در ۷ مرداد ۱۳۶۰، نازم " نمایندگان " به همان سناسید. اس بار " مرد اول " مجلس - هاسمینی رفسنجانی - ارخمینی خواست تا برای یک سال دیگر " رهنمود " بدهد. ایسان همحای " رهنمود " به مجلس، به ملت اولسما - نوم دادند که با بیده موباب این مجلس کردن بگذارند با سه اروپا و آمریکا بروند!

ما ندیدیم که به کارنامه، یک ساله، اسن مجلس نگاه می کردیم تا حواتندگان و ملت بداند که خمینی فرمان " کردن گذاردن " به خود موباب چه کسی میدهد!

مجلس شورای اسلامی چگونه متولد گردید

انتخابات برای نمایندگان مجلس شورا در زمانی آغاز شد که حزب جمهوری اسلامی در انتخابات قبلی با شکست فاحشی روبرو گشته بود. حزب جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری، در مقابل بنی صدر، شکست خورده از میدان بیرون رفت. کاندیدای اولیه، این حزب، جلال‌الدین قاری، پس از آنکه افغاسی بودنش محرز گشت، و بیست و نهمین آرا نیکو گناهای مختلف حزبی بر سر او مژدی وی متفق الراهی نبودند، پس از آنکه آیت‌کودتای خود را سواً و سخا اعلام نامزدی میکنند؛ از جمع نامزدهای انتخاباتی برای ریاست جمهوری کنار گذاشته میشود. کاندیدای دیگر حزبی یعنی آیت، از پشتیبانی مجموعه حزب بی بهره بود. بهر حال نامزدهای متمایل به حزب، یا نامزدهایی که حزب بدانها متمایل بود (آیت و حسن ابراهیم حبیبی) با اختلاف فاحشی از بنی صدر شکست خوردند. حزب و دارو دسته، مکار و ارتجاعی بهشتی که در پی قبضه قدرت بودند، در اولین گوش خود با شکست روبرو گردیدند.

ولی ایسان از یای نشستند و امیدان بدررفتند. حزب جمهوری اسلامی به متشکل کردن صفوف خود برای پیشروزی در انتخابات بعدی -- یعنی انتخابات مجلس شورا - همت گماشت. از طریق وزیر کشور - که اتفاقاً کسی غیر از جناب هاشمی رفسنجانی نبود - با تصویب یک قانون انتخابات ارتجاعی عملاً زمینه را برای پیروزی نامزدهای خودی فراهم آورد.

هیچ کس حیلها و تزویرهایی را که حزب جمهوری برای از پیش پا برداشتن رقبای انتخاباتی انجام داد از یادش نبرد. اولین تکرر آنان در قانون انتخاباتی آن بود که انتخابات را در مرحله ای نمودند. بدین معنی که اظهار داشتند که فقط آن کسانی در مرحله اول برنده قطعی محسوب میگردند که ۵۰٪ کل آراء را کسب نمایند. بقیه کسانیکه کم تر از ۵۰٪ آراء را کسب کنند، بدوردوم راه خواهند یافت و در دور دوم انتخابات از بین حائزین اکثریت، بقیه نمایندگان انتخاب میشوند. با این ماده ارتجاعی در قانون انتخابات، عملاً راه بر نیروهای انقلابی و دمکراتیک که در مقطع زمانی انتخابات در اقلیت قرار داشتند بسته میشود آن نیرویی که دارای اکثریتی نسبی میبود میتواند دست در زد و دور متوالی کلیه نامزدهای

خود را در دور مجلس بفرستد. حرسون برای محکم کاری، ماده ای دیگر در " قانون انتخابات " موصوفه، یورای مداسقلاب کنعانند که بموجب آن هر رای دهنده ای میتواند نام ۳۰ نفر (در تهران) را بروی کارت اسخانی خود درج نماید، بدس برست آن نیرویی که مثلاً ۵۱٪ آراء را در احسار ممداسب می - سوانست ۱۰۰٪ نمایندگان راه مجلس بفرستد و آن نیروی فلسینی که ۲۹٪ آراء را در احسار ممداسب حتی نمیتوانست یک نماینده به مجلس بفرستد. بر روی موازن " دمکراسک " و " آزاد حواله - هانه " همین قانون انتخاباتی بود که مثلاً مسعود رجوی با بیش از ۵۰ هزار رای نتوانست به مجلس راه یابد، ولی نیروی دیگری با کمی بیش از این تعداد، تا ۲۰ نفر راه مجلس راه دادند. حتی این " قانون انتخاباتی " نیز کافی نبود. حزب جمهوری محبور گردید که به بزرگترین تقلبات انتخاباتی دست یازد. تقلب در این انتخابات بقدری راجح بود، و آنقدر اسناد در این مورد را نه گردید که " حقانیت " و " قانونیت " و " مشروعیت " این انتخابات در سطح وسیعی در درون جامعه زیر سؤال کشیده شد. هیچ کس فرا موش نمیکند که چگونه حزب جمهوری اسلامی در آخرین لحظات " کارزار "!! انتخاباتی، پوستری حاب میکند " بنام ائتلاف بزرگ " که در یک طرف لیست نامزدهای حزبی قرار داشته و در یک طرف دیگر پیاپی از خمینی در مورد انتخابات مجلس، و این پوستری قدری " ما هرا نه " چاپ شده بود که همه در اولین نگاه تصور میکردند که خمینی درست این لیست را مورد تأیید قرار داده است!! هیچ کس فرا موش نمیکند که وقتیکه رای دهندگان به حوزه های انتخاباتی میرفتند، بر درو دیوارهای حوزه انتخاباتی این پوسترها (برخلاف قانون انتخابات البته!!) نصب گردیده بود. هیچ کس فرا موش نمیکند که چگونه حزب یون اسلام بناه و " بشردوست " عده ای مددکار اجتماعی!! را بسیج کرده بودند تا مردم زحمت نوشتن اسامی نامزدهای مورد علاقه خود را بخوندند و آنها را برایشان نام پیروان اصیل " خط امام " را بروی کارت های انتخاباتی بکوبند. " اسلامی "، " مکتبی " و " انقلابی " نقش میگردند. تقلب آنچنان وسیع و گسترده بود که " مشروعیت " این انتخابات در سطح وسیعی زیر سؤال کشیده شد. صحبت بر سر ابطال انتخابات تقلبی در جامعه جریان داشت. بالاخره با پسا درمیانی خمینی، هیات ۷ نفره بررسی انتخابات تشکیل شده و معلوم بود که این هیات فقط برای کش دادن قضیه و ماستمالسی " شرعی " این تقلبات گستاخانه میباید. (همه، هیاتهای " بررسی " پس از آن این شیوه حسنه را دشمال نمودند!!)

[ولی شیخ تقلب در انتخابات مجلس شورا آنچنان مسیح است، و " فدائقلابیون " و " لیبرالها " و " منافقین " آنقدر بروی این شیوه " پسندیده "، " مکتبی " و " مشروع " متبسه خشاش میگذارند که بالاخره فریاد " مفسر کیهان " که به بررسی کارنامه یک ساله مجلس نشسته است در هیات یدوبیا یک استدلال کوبنده!! همه این " قاسطین و مارقین و ناکثین " را بر سر جای خود مینشانند. توجه کنید:

" انتخابات مجلس میشود تقلبی باشد " (آها! پس میشود؟ این حکم اول) سپس ادا می دهد:

" اما یک نماینده واقعی نمیتواند با تقلب خود را به مجلس تحمیل کند!! "

(مجبوریم به کمک " مفسر " مکتبی خود بیاشیم. منظور اینست قلم الکن آنستکه یک نماینده واقعی احتیاجی به تقلب ندارد. بقیه در صفحه ۵

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۲۰۰

البته مکر اینکوی نمایده واقعی نباشد!!؟ این حکم دوم (سپس به نتیجه گیری درخشانش میرسد :

" پس مشخص شد (مثل روز روشن شد!!) که این مجلس شورای اسلامی ، یا همه عیوباتی که دارد ، مجلسی است مردمی " !!!

(مشخص شد؟) ولی سؤال هنوز باقی است : آیا ثقلب گسترده صورت نگرفته است؟]

دور دوم انتخاباتی نیز انجام گردید و فرمای انتخابات روزنامه جمهوری اسلامی فاتحانه چنین اعلام کرد :

" خط امام در مجلس اکثریت پیدا کرد " !! بدین ترتیب در طی یک " کارزار " ما هران انتخاباتی با یک قانون انتخابات ارتجاعی ضد مکرانیک و ضد آزادیخواهانسه ، و از طریق یک ثقلب دوم مرحله ای حزب جمهوری اسلامی " اکثریت مجلس شورای اسلامی را بدست آورد . را دبرای تاخت و تاز بسیار شده بود .

در انتخابات مجلس شورای اسلامی فقط ۲/۵ میلیون نفر شرکت کردند . (در بسیاری نقاط که شکست حزب یون و دولتیون مسجل بود چون برخی نقاط کردستان ، اطلاق انتخاباتی انجام نگرفت) . همین تعداد کم شرکت کننده نشاندهنده علاقه مردم به این " تاکتیکهای " درخشان حزبی و سیر رویدادهای جامعه تحت حکومت جمهوری اسلامی بود . (در مقایسه در انتخابات ریاست جمهوری که بیش از ۱۴ میلیون نفر ، فراتر از قانون اساسی ۱۶ میلیون نفر ، و در فراتر از قانون جمهوری اسلامی بیش از ۲۰ میلیون نفر شرکت کرده بودند) .

امروز که حزب یون حاکم عرصه زابرتیس جمهور تنگ کرده اند ، وی بر همین آمار و ارقام تکیه میکند ، اینکه و بیسش از ۱۰/۵ میلیون رای آورد در صورتیکه مجلس در کل فقط ۷/۵ میلیون نفر . جناب هاشمی رفسنجانی جواب دندان شکنی به این " سفسطه " داده اند که دانستنش خالی از فایده نیست :

" دشمن همیشه قلب را هدف گیری میکند . حتی گاهی در یکی از روزنامه ها مسایلی مطرح شده که با مغالطه عجیب و غریبی خواسته اند مجلس را در درجه دوم اهمیت قرار دهند مثلا میگویند رئیس جمهور ۱۰ میلیون و خورده ای رای دارد ولی مجلس ۷ میلیون و خورده ای رای دارد . بسا اینکه خودشان خوب میدانند (!!) که اگر مجموع رای هفت میلیون بوده مثلا تهران که سی تا پینده داشته و بهر حال نماینده ای حدود یک میلیون تا یک میلیون ونیم رای داده شده ، میشود چهل و پنج میلیون رای مردم فقط در تهران است !!!!" (ویژه نامه کیهان - ۹ خرداد) چه کسی میگفت اینها " چرتکه اندازان " خوبی نیستند! بهر حال " مجلس شورای اسلامی " اینگونه متولد گردید!

نویسنده و مفسر " شوخ طبع " !! ویژه نامه کیهان پس از آنکه بطرز " داهیانه " ای تقلبی بودن انتخابات مجلس

شورای اسلامی را " رد " می نماید ، بمانند آنکه با یکعده گنج و منگ (مانند خودش) طرف است ، چنین نتیجه گیری " عالمانه " می نماید :

" با توجه به مطالب فوق ، یعنی وقتی که ما گفتیم که این مجلس ، مجلسی است اسلامی و مردمی پاسخ به این سؤال که این مجلس مردمی در یکسال گذشته چه کرده است معلوم میگردد . چرا که یک مجلس مردمی -- اسلامی در مجموع کارهای مردمی انجام میدهد " !!!

دیگر بهتر از این ، دندان شکنانه تر از این نمیتوان استدلال کرد!! ولی ما فعلا کاری به این " استدلال " حضرت " مفسر " شوخ طبعمان نداریم . جناب ایشان برای محکم کاری وارد بررسی جزئیات (البته برخی از جزئیات) میشوند و مسارا بناچار بدنبال خود میکشاند :

" ... اگر شما سنگدلی نموده ، سینه های ما را آماج گلوله های خود گردانید ، ما هم از این جانبازی و فدائیکاری عاری نداریم و هیچوقت نمی گوئیم که چرا ما مغلوب مستبدین و بی دینها شدیم . چرا که برادران آذربایجانی و کیلانی و اصفهانی ما در راه و عنقریب خواهند رسید . ما میخواهیم با بدنهای خود زیرم اسبهای آنها را نرم و مغروش کرده و زمین تهران را برای تشریفات مقدم این میهمانهای تازه رسیده از خون کلوی خود زینت دهیم و به آن برادرهای مهربان بگوئیم و افتخار کنیم که ما نیم بیش صفسای شهدای راه آزادی "

(جها نکیر صورا سرافیل - چند روز پیش از به تمسوی بسته شدن مجلس و چند روز قبل از شهسادات)

" اکنون بدن نیست به قسمتی از این کارها اشاره نکنیم . بنظر ما اولین کار مثبت مجلس (که تاریخ آن را فراموش نمیکنند) این بود که با بررسی دقیق اعتبارنامه های افراد مشکوک و وابسته ای چون مدنیها ، اعتبار را این با نده خطرناک را ساقط کرده و این مسئله کوچکی نیست که به سادگی از آن گذشت " !!

پس اولین کار مجلس عبارت بود از بررسی اعتبارنامه ها ، آنهم بشیوه " تاریخی " که بهیچ رو نمیتوان به " سادگی " از آن گذشت . مفسر کیهان ما را به وارد شدن بیشتر در این " جزء " تحریک کرده است و ما " با اکراه " به این کارتن می دهیم و به " سادگی " از آن نمیگذریم :

اول در مورد اقدام " تاریخی " ردا اعتبارنامه مدنی : تا آنجا که ما به " تاریخ " رجوع کردیم ، جناب مدنی قبل از آنکه " اعتبارنامه " اش از طرف مجلس رد شود ، خود " اعتبار " مجلس را رد کرده بود . یعنی آنکه قبل از آنکه مجلس بخود بیاید و به بحث " اعتبارنامه " این جلاد آمریکایی برسد ، جناب ایشان علنا ما سک و نقاب از چهره برداشته بود . از مجلس کناره گیری کرده بود ، به میان اردوی کودتاگران شقایبی کوچ کرده بود ، و از آنجا که ما او و ملجاء آمریکایی های دوآتشه - پاریس - رسیده بود . مجلس تنها کاری که کرد این بود که " آبروی " نداشته خود را ببارد " اعتبارنامه " مدنی حفظ کرد . مجلس فقط بربیک کار انجام شده ، و به ابتکار مدنی انجام شده ، یک صحنه " رسمی " گذارد . همین وبس! دیگر آنکه جناب " تاریخ " پر داز ما خوبست یا دش نرفته با شکه چه کسی ، چه جریان و حریان تسی ، مدنی را به دریا دار مدنی و استا ندر مدنی در جامعه پس از انقلاب

اینجا با بدرفت سراج آن اعتبارنامه‌هایی که مجلس شورای "مردمی" و "اسلامی" تصویب کرد، آخر مجلس بیش از آنکه "رد" کرده باشد، "تصویب" کرده است، فکرکنیم که حتی "تاریخ" پرداز شوخ طبع ما هم به این نکته واقف باشد. چند نمونه:

مجلس "اعتبارنامه" دکتر حسن آیت را تصویب کرد. فکرنمی‌کنیم دیگر امروز کسی در ایران باشد که به گذشته و حال "درختان" حسن آیت واقف نباشد. حسن آیت، نوجه دکتر مظفر بقاشی کرمانی رهبر "حزب زحمتکشان" در دوران حکومت شادروان دکتر مصدق بود. همین حزب کذابی بود که در مساق - کشی های دوران مصدق نقش بازی میکرد، و همین حزب کذابی و گردانندگانش - بقاشی وزه‌ری و آیت - بودند که پس از کودتای ۲۸ مرداد، آشکارا از بیگل گوش رژیم ژنرال زاهدی سرب - آوردند و با آنها هم پیا له شدند. جناب "تاریخ" نویسنده چه "ساده" از روی این واقعیت تاریخی گذشته است و حتی به "حال" هم که آیت و قادارانها از مراد خود - بقاشی - تجلیل میکنند، توجه نمی‌نماید. فکرنمی‌کنیم هیچ کس نداند که آن "مبارزات" فدویمی درجا معه و در ارتش که دکترا آیت لافش را میزند، هیچ نبوده است جز گرداندن یک "انجمن ضدبهاثی‌گری" که ساواک شاهی هم خوب از آن اطلاع داشت و چون جزا نحراف جدی در مبارزه حاصل دیگری نداشت، مشتاقانه بدان پا میداد. آن جریان ضدبهاثی‌گری کذابی که مبلغ اش، فلسفی مجیزکوی رژیم کودتا با شجه ضری به حال رژیم میداشت؟ فکرنمی‌کنیم هیچ کس نداند که این آیت کودتاچی چه مردک فاسدی بوده که حتی ما برای رسوایش در دوران دبیری دبیرستانهای دخترانه از تربیون همین مجلس کذابی پخش گردید. فکرنمی‌کنیم هیچ کس آن "نوار" معروف را قرا موش کرده باشد، فکرنمی‌کنیم هیچ کس بلوای ارتجاعی ای که به تئوری پرداز می‌باشد همین آیت در دانشگاه‌ها براه افتاد، قرا موش کرده باشد. آری مجلس اعتبارنامه این مردک بدنهارا به تصویب رساند. تاریخ پرداز ما زما سکوت اختیار کرده است!!

مجلس اعتبارنامه "استاد"!! اکبر پرورش را هم تصویب کرد. حتما "تاریخ" پرداز ما این "استاد" شهیر را می‌شناسد؟ اگر نه، ایشان نایب رئیس همین مجلس کذابی میباشند! ایشان جزوه‌مان داروده‌سته "مکتبی" ضدبهاثیست بودند. و خوبست فقط از اعتراف نامه ایشان تکه‌ای بیاوریم تا شاید عرق شرم بر پیشانی "تاریخ" نویسنشیند:

"... اما در مورد افکارم بگذارید چند سطر هم قلم بزنم و آن اینکه من با تمام وجودم به نظام شاهنشاهی که جزء لاینفک قانون اساسی است ارج مینهم و برخلاف این اصل و این فکرگامی ننهادم. بهرجهت با ردیگر وفاداری خود را با ردیگر به مقام منیع سلطنت و قانون اساسی اعلام داشته و از خداوند بزرگ توفیقات آن مقام منیع را در راه تحقق آرمانهای حیاتی جامعه ایران خواستارم. اکبر پرورش"

آیا "تاریخ" نویسنده ما میداند مخاطب این نامه که بود؟ تیمسار معظم ناجی - فرماندار نظامی اصفهان و آیا میدانند این نامه در چه تاریخی نوشته شد؟ ۵۷/۶/۲۰، سه روز پس از جمعه خونین تهران و اعلام حکومت نظامی سراسری! "تاریخ" چه طنزآلود و تلخ است!

مارسانندند. این اقدام هم در نوع خود "تاریخی" بود. آن زمانی که جناب دریا دارمدنی در خوزستان جلادی میکرد و خمون میریخت، چه کمائی بودند که از قم - مهد روحانیت ایران - برایش هلهله و شادی میکردند و او را "سرباز اسلام" می‌نامیدند؟ امیدواریم مفسرکیهان به سادگی از روی تاریخ نگذرد!؟ امیدواریم جناب مفسرکیهان نویسنده ما قرا موش نکرده باشد که اعتبارنامه - ورود به مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری - جناب مدنی را وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران بزعامت همین جناب هاشمی رفسنجانی - رئیس مجلس شورای اسلامی کنونی - و نماینده امام - جناب موسوی خوئینی‌ها - مورد تأیید قرار دادند. و حتی پس از آنکه اسناد رسوایی ایشان از طرف "خط امامی" های درون جاسوسخانه بر ملا شد، هیچ اقدامی برای حذف این تیمسار آمریکایی نکردند! امیدواریم جناب مفسر ما

"هیچ وا همه ننمائید!... زیرا ما در حقوق ملیه خود - که عین عدالت است - کوشش مینمائیم و این - (مستبدین) در منافع شخصی و به ضرر ملت تلاش میکنند" (سردار ملی انقلاب مشروطه - ستارخان قره داغی)

"آزادی را نباید از دیگران کدایی کرد، بلکه باید به - جناب آورد. (اینجا نویسنده سلیکون - ه)

قرا موش نکرده باشد که اعتبارنامه - ورود جناب مدنی به انتخابات مجلس شورای اسلامی "مردمی" را همین وزارت کشور جمهوری اسلامی - اینبار بزعامت آیت الله مهدوی کنی - مورد تأیید قرار دادند! پس اگر نخواهیم به "سادگی" از روی "تاریخ" بگذریم، مجبوریم اعتراف کنیم که همین دست اندرکاران "اسلامی" و "مردمی" جمهوری اسلامی به تیمسار مدنی جلاد و مهره آمریکا، اعتبار بخشیدند. و چه طنزآلود است که جناب مدنی در "اعتبار" حضرات پیشقدم شدند! این از نکته اول بررسی "تاریخی"!!

دوم: موقعی که مفسرکیهان نویسنده ما شروع بدرس "تاریخ" میکنند و بپندارند رژیم "سادگی" گذشتن از روی آن راه چاشنی - اش میکنند، خوبست خودش پای این درس و این پندوانند درز بایستد و گوش کند! زمانیکه وارد بررسی "تاریخ" مینویسد، نباید به آن تک بزیند، و تازه آن دانه‌هایی را ورچیند که به مذاق خودتان خوش میآید. مجلس شورای اسلامی فقط "یک" اعتبارنامه تیمسار مدنی را بررسی نکرد، دو بیست و خسورده ای اعتبارنامه در این جمع کذابی مورد شور و مشورت قرار گرفت. آیا "تاریخ" نویسنده ما فکر نمی‌کند "بایک کل بها رنمیشود"؟!؟ جناب "تاریخ" نویسنده ما متاسفانه پندوانند درز خود را خیل سی زود قرا موش کرده و به "سادگی" از روی آن گذشته است. و لسی ما که می‌خواهیم "تاریخ" را صادقانه و ارسی کنیم مجبوریم کمی سامل شما کنیم:

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۶۰

هنوز اسم بی مسایشان برکتا بهای درسی دوران آریا مهر نقش بسته است و منشا روزی بر معدوم فرخ رویا رسا بودند (البته تحت رهبری "استاد" شان جناب بهشتی)؛ جناب هادی غفاری، مرگ عقده‌ای و روانی و غلیل المعزی که علنا گفته است میخواهد فاشیت بازی در بیاورد و دیکتا توری ملاتاریا برقرار سازد؛ جناب موسوی تبریزی، نماینده تیریز و حاکم شرع دادگاه محمد رضا سعادت و... راستی "تاریخ" نویس ما اینها را میدانست و نگفت و یا ندانسته از آنها به "سادگی" گذر کرد؟ مجبوریم باز به کمک "تاریخ" نویسان بیائیم و به او بگوئیم، به او درس بدهیم، که تنها نقطه مشترکی که این اسامی را با ما بهم وصل میکنند چیز است و آنهم، راز آشکاری بنام رهرو سینه‌زن و سمپات و محیز کوو... حزب جمهوری اسلامی بودن! همیسن!

سوم : موقعی که وارد "تاریخ" میشوید، با ما احتیاط بقه شمارا می‌جسد و میکسوید من را آنطور که بودم بازگو کنید، نه کم و نه زیاد. ما هم که شاگرد تاریخ هستیم و به بندوانس درز "بیدرانه"!! کیهان نویسان وفادار، مجبوریم باز هم در این باره بگوئیم.

مجلس اطلاع بررسی "اعتبارنامه" نماینده مسردم مسجد سلیمان را در دستور کار خود قرار نداد. مجلس در مورد نماینده مردم مسجد سلیمان به این اولین کار "تاریخ ساز"!! خود تن نداد. "تاریخ" نویس ما میدانند چرا؟ باز هم باید به مغز خود فشار بیاورد چون حدود یکسانی است که از این ماجرا گذشته است. اجازه دهید به کمکش بستانیم؛ به یک دلیل ساده. وی از هواداران سازمان مجاهدین خلق بود. همین ویس! مجلس آنقدر "مردمی" و "آزادبخش" است که حتی حاضر نشد به ابراز تمایلی که مردم مسجد سلیمان کرده بودند تنگناهی بیندازد، و با حتی جرئت کند رسماً و علناً دلایل مخالفت خود را اعلام نماید.

امیدواریم "تاریخ" نویس ما فراموش نکرده باشد که مجلس برای تصویب اعتبارنامه آقای اعظمی لریستان... نماینده خرم آباد - جهانم شنکهای راه انداخته و بالاخره چگونه تحت فشار مجبور گردید آن را به تصویب رساند. آب... "تاریخ" نویس ما میدانند چرا؟ اگر "مورخ" شهر ما بودند آقای اعظمی لریستانی اتفاقاً!! بدر دکنرا اعظمی لریستانی، یکی از مبارزین کمونیست خرم آباد بود که در راه آرمان رهایی، آزادی و استقلال و آزمانهاش به شهادت رسید. "اکثریت" اسلامی و "مردمی" بهیچ روحا حاضر نبودند که در مجلس شورای اسلامی شان پدریک کمونیست (آه چه شرک آلود!!) وجود داشته باشد. ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند، چون دیگر خرد را رسوای عام و خاص میکردند. بالاخره هم با شایعی تمام اظهار داشتند که خیر شهید دکنرا اعظمی لریستانی اصلاً "مذهبی"!! بوده است. ولی یک سال بعد خواستند زهر خود را بریزند. همین چندی پیش بود که جناب هاشمی رفسنجانی به خرم آباد رفت، در بیمارستان دکنرا اعظمی لریستانی حاضر شد و قصد تعویض نام بیمارستان را داشتند، تغییر نام به بیمارستان شهدا! (آه چه سوء استفاده چنان بی شرفی!) ولی مردم خرم آباد در جلوی بیمارستان جمع شدند، جناب رئیس مجلس را مجبور کردند تا دوباره تا بلوی اصلی با متن "بیمارستان شهید دکنرا اعظمی لریستانی" را نصب کند. سپس سرسکی را به پیش افکنده و گفتند برو...

و چهارم : و بالاخره ما چه درسی از این "کار اول" مجلس میگیریم؟ "کار اول" مجلس ادا مه کار قبل از مجلس بود! حزب

بقیه در صفحه ۸۰

مجلس اعتبارنامه محمد تقی رنجبر را هم تصویب نکرد. اینبار "تاریخ" نویس ما باید کمی به مغز خود فشار بیاورد چون جناب رنجبر به معروفیت "استادان" شهرش نیست. جناب رنجبر کوچک ترازان بود که به "تیمسار معظم ناجی" نامیده بنویسد و با ازبیران "قدیمی"!! دکتر مظفریفاثی کرمانی باشد. بیجا ره‌ایسان با دیده گروهان زاندارمیری نامه مینوشت:

"فرماندهی محترم گروهان زاندارمیری شهرستان مومعه صرا: احتراماً با اطلاع میرساند سبهای جمعاً از ساعت ۶ بعد از ظهر الی ۱۰ سب مجلس معارف اسلامی از طرف اهالی چوبه تویر قرار است. از آنجا شیکه شخصی سخنای علیحضرت هما یونی سا هننا آریا مهر حاجی دین مین اسلام (سعه) مینباشند، امیداست به همسب بروردگار این سبها جوانان نا ه دوست و مپهن برسب سخا نیت دین مین اسلام آشنا و جان ننا رنا هننا ه آریا مهر و خاندان حلیل سلطنت... (بعلمت سوختگی سدنا خوانا بود)

از طرف هیات جوانان قائم محمد تقی

رنجبر

البته ما به همراه "تاریخ" نویسان اذعان میکنیم که مجلس دلایل خوبی برای تصویب "اعتبارنامه" این جوان "برشور" داشت. ایشان هم "اسلامی" بودند، هم "حوان"، هم "مکتبی" و حتی!! هم "حزبی"، "شاهدوست" بودن ایسان هم که زیاده در روند "تاریخ" تا تیری نمیکذارد!!

مجلس "اعتبارنامه" جناب آقایان محمد علی رحایی، عسکرا ولادی و... هم تصویب کرد. فکر نمیکنیم "تاریخ" نویس ما دیگر زیر این بگ نکته بزند. ولی اگر فقط ۳ سال از تصویب اعتبارنامه‌های این آقایان به عقب برگردیم، با ط... رویرو میسوم برتیب داده شده از طرف ساواک که عده‌ای "نادم" و "سیمان" هزیک سا عکسای علیحضرت و علیا حضرت!! بر سینه‌شان "اعتبار" آزادی خود را با شرافت و انسا نیت تاجیت زده بودند. عجب که با چهره‌های "معصوم" جنابان رجا پچی و عسکرا ولادی در این جلسه معروف، رویرو میسوم. و آیت... "تاریخ" نویس ما میدانند این گروه به چه نامی در زندان (زندان شاه) معروف شده بودند؟ "گروه سیاس"، "وسپاس-گوی چه کسی بودند؟ ما که از گفتنش شرم داریم!

مجلس "اعتبارنامه" محمد علی بشارتی را هم تصویب کرد. "تاریخ" نویس ما میپرسد مگر چه شکالی دارد؟ هیچ! فقط کافی است به فهرست اعضاء و هواداران!! ساواک نظری بیفکند تا جناب ایشان را با یک شماره رمز (ب ۳۲ ۵۵۵) بیابند!! راستی برای این مجلس و آن "اکثریت" چه شکالی دارد؟!

مجلس "اعتبارنامه" خیلی‌های دیگر را هم تصویب کرده ما به تفصیل در باره‌شان نمی‌نویسیم؛ جناب آقای معین فررا که همین چند هفته پیش یکی از نمایندگان عکس دستبوسی هویدا پیش را در مجلس گذاهی چرخاند، جناب‌های با هنررا که

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۷

جمهوری اسلامی با تقلب دومرحله‌ای " اکثریت " را بدست آورد و بفریب این " اکثریت " قلابی و ارتجاعی هر چه بدنهاد حزب پرست بود تا شید کرد. حزب جمهوری اسلامی با تزویر و زورگویی و تقلب از ورود نیروهای مترقی به مجلس جلوگیری کرد، و با عدم بررسی و رد " اعتبارنامه " های آن عده، معدودی هم که از هفت خوان حزب گذر کرده بودند، آن را تکمیل کرد. بک کلام فرآیند تصویب و رد اعتبارنامه‌ها ادامه، تقلبات قلبی بود. و زبان " تاریخ " نویسنده طبع ما " و این مسئله کوچکی نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت " و ملت ما هم به سادگی از آن، و از " آن " های دیگر نخواهد گذشت. مطمئن باشید! روزی با خواست نزدیک است. نه در آسمانها البته! در روی زمین و در همین ایران خودمان. و این بار ملت به " اعتبار " نامه‌ها رسیدگی خواهد کرد.

بهر حال از خواننده عزیزمان با خاطر بقول معروف " اطمانه کلام " عذر میخواهیم، ولی چه باید کرد که از این موضوعات به " سادگی نمیتوان گذشت "!

قبل از آنکه وارد " کارهای " دیگر " تاریخی " و " مثبت " مجلس گردیم، باید به اطلاع خوانندگان عزیزمان برسانیم که معمولاً پس از تصویب " اعتبارنامه‌ها " مجلس بقول معروف " رسمیت " نیافت، چون بر طبق قانون اساسی دستخط ولایت فقیه‌ای های مجلس خبرگان، جمع به اطلاع نمایندگان ملت!! یک " آقا بالا سر " دارندینام " شورای نگهبان " که بر مصوبات مجلس نظارت میکنند " شرعی " بودن و " قانونی " بودن آنها را بررسی می نماید. و چند ماه پس از " تولد " مجلس این جمع قلدرو حاکم بر سر نوشت ملت تشکیل شده بود. ما فقط به گفته‌ای از حجت الاسلام والمسلمین مانعی، از اعضای متکبر این " سورا "!! رجوع میکنیم، تا خواننده در یاد که تا چه حد این حزب یون مستبد، و این قانون اساسی کذایی، برای رای ملت که گویا " میزان " است، ارزش قائلند:

" همه میکنیم به قانون اساسی باید عمل کرد، اما هم فرموده اند حکومت مان قانون اساسی است، یعنی مال ملت است. اما من فکر میکنم شما هم اگر به اصول قانون اساسی مراجعه کنید تنها نظری که میتوان حاکم قرار دهیم، نظریه شورای نگهبان است. چون شورای نگهبان در قانون اساسی تعیین کننده کاندیداهای ریاست جمهوری در دوره‌های بعد است. در دوره‌های قبل، با امام و در دوره‌های بعد با شورای نگهبان است. نظارت بر انتخابات مجلس، نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، شورای نگهبان مفسر قانون اساسی است شورای نگهبان در مقابل دویست رای در مجلس رایش قاطع است یعنی اگر اکثریت مجلس مطلبی را گفتند، شش سواری نگهبان سخیص داد مخالف قانون اساسی است، طبق خود قانون اساسی رد میشود. من فکر می کنم اگر خواهیم پیام امام (ده ماده‌ای در ۲۵ اسفند) پیاده

شود، باید برگردیم به شورای نگهبان، مسئولیت را هم بعده آنها قرار بدهیم که قانون اساسی هم قرار داده که یک وقت خدای نا کرده یکی از ماها در آن حرف قرار بگیریم. " (جمهوری اسلامی - ۸ فروردین ۱۳۶۰)
 " میزان رای ملت است " ! آقا بالا سران بالا این جمله بسیار رایج و بر سر زبانها از خمینی بیخ و بی معنا نیست، آیا زمانیکه " فقیه " آنها از قماش کسانی چون جنسی و خزعلی - که به جلادان و قابع دانشگاهها در خوزستان معروفند و همین مانعی که در دفاع از فتوای و فتواییم سندا مضاء کرده است، رایشان بر برای همه، ملت ایران " قطعیت " داشته باشد، " میزان " بودن " رای ملت " بیش از عوام فریبی معنای دیگری خواهد داشت؟ حجت الاسلام مانعی در اینجا حرف دل تمامی دستجات هوادار استبداد را، که برای رای و نظرسزوده‌های ملت پیشیزی ارزش قائل نیستند، به کوتاهی و کویایی بیان داشته است.

" شورای نگهبان " این آقا بالا سر ملت ایران، جمع مرتجع و مستبدی که بنا به قانون اساسی کذایی خود را مغز ملت ایران تعیین میکند، آخرین مافی افکار مترقی برای روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی است. " شورای نگهبان " جایی است که " اگر خدای نکرده " چیزی خلاف رای مستبدین زیر پرده " دین جمع شده در " اکثریت " مجلس در رفت، اینها به رتق و فتق آن بپردازند. متاسفانه!! ویژه نامه نویسان کیهان بخود زحمت ندادند تا این " همزاد " مجلس کذایی را که میمانند " سنای " آریا مهنی عمل می نمایند بررسی کنند. ولی مطمئن باشید که ملت ایران برای اتخاذ تصمیمات خود احتیاج به " آقا بالا سر " ندارد، مهم نیست اسمش را چه بگذارند، ولی فقیه " یا " شورای رهبری " یا " شورای نگهبان " و... این " آقا بالا سر " ها باید بروند و خواهند رفت!

ادامه دارد

سرود آزادی

آن زمان که بنهادم سربای آزادی
 دست خود ز جان سپتم از برای آزادی
 تا مگر بدست آرم دامن و مالش را
 میدوم به پای سردر قفای آزادی
 با عوامل تکفیر صرف ارتجاعی باز
 حمله میکنند ایام سربینای آزادی
 در محیط طوفانزای ما هر آنه در جنگ است
 ناخدای استبداد با خدای آزادی
 شیخ از آن کندا صرار بر خرابی احرار
 چون بقای خود بیند در فنای آزادی
 دامن محبت را گر کنی ز خون رنگین
 میتوان ترا گفتن پیشوای آزادی
 فرخی ز جان و دل میکند در این محفل
 دل نثار استقلال، جان فدای آزادی
 فرخی یزدی

" ما برفد حکومت ارتجاعی و استبداد قیام کرده ایم
 هرگز نباید به خستگی و یاس تسلیم شویم، بخصوص که وقتی
 که با رنگین زندگی ملتی از مویی باریک آویزان شده
 باشند....."
 (شیخ محمد نجیب بانسی)

جمهوری، ولایت فقیه نمیشود!

آن بن بست است که امام گفته بود در جمهوری اسلامی نیست و نمیتواند وجود داشته باشد، اکنون همه می بینند که هست و دقیقاً برای شخص امام ولایت فقیه و هم هست. سخنان امام در ۱۸ خرداد یعنی همین چند روز پیش از حمله تناقض درونی نظام جمهوری اسلامی را، یعنی تناقض میان مفهومی جمهوری و مفهوم ولایت، میان حکومت عرف و حکومت شرع،

میان دولت و دین، میان حق انتخاب ملت و حق انتصاب ولایت، لخت و عریان آشکار ساختن و اما ما را مجبور ساخت که علیه "دیکتاتور" جمهوری (یعنی رای مردم) بسوزیم. دیکتاتور فقیه موفقی بگیرد و آنرا با دیکتاتور شاه یکی قلمداد کند. شادروان عبداللله مازندرانی از مراجع تقلید در زمان انقلاب مشروطه راست

گفته بود که "مشروطه مشروع نیست" یعنی حکومت متکی به رای ملت نمیتواند تابع دین و شریعت باشد. اکنون هم مردم ایران هر روز به وجسه آشکارتری متوجه میشوند که جمهوری نمیتواند مشروع (مکتبی!) باشد، یعنی اصل رای همگانی و حاکمیت مردم نمیتواند تابع ولایت شرعی باشد و عاقبت یا جمهوریست یا پادشاهی زده شود و یا ولایت.

ولی اگر ولایت جمهوری را بزمین بکوبیم مگر پاره شده. ستری بر استبداد نخواهد بود و نیست. "استبداد در پرده دین" یعنی همان خط تحولی که شادروان طالقانی برای جمهوری اسلامی گوشزد کرده بود و اکنون با همه عریانی خود را به مردم ایران نشان میدهد.

بقیه از صفحه
خبرهایی از ...
 مردم آستان را در برابر بریسور کودتا گرانه؛ چند روزه اخیر چنانست که امروز هیچ روحانی و ملائی نمیتوانند وارد این شهر شود؛ واکریک روحانی بخوانند و آنجا عبور کنند. ناچار است لباس خود را عوض کند و لباس عادی بپوشد.
 * * *
 طبق اخبار موثقی در اطراف هشتگرد و خورده شدیدی میان مردم (به هواداری بنی-صدر) و طرفداران حزب حاکم روی داده، که در جریان آن تعدادی کشته و زخمی شده اند.
 (۱۹ خرداد)

"هر کس خدای خود را در یکی از صفاتش ستایش میکنند... من پروردگار خود را در مظهر آزادی پرستش میکنم و معتقدم... بالاترین موهبتی که خداوند بنده گانش عطا فرموده آزادی است. زیرا بدون آزادی... بشر به گسترده بساط مملکت و عدل، و صعود به مرحله کمال انسانیت، نایسب نخواهد شد. آزادی کمال مطلوب انسانی و مظهر نکویی و زیبایی است. و کاخ عدالت و انسانیت جز در روی پایه آزادی، استوار نخواهد گشت و درخت تمدن جز در پرتو آزادی پرورش نخواهد کرد. و ریشه ظلم و ستمگری جز با تیشه آزادی کنده نخواهد شد. و تخم حکمت و فلسفه جز در زمین آزادی نخواهد روئید... اصل حقوق بشری جز در کنف آزادی مضمون نخواهد ماند. و شرافت و حقوق مسلم جز در سایه آزادی محفوظ نخواهد شد..."
 (ملک المتکلمین: شهید انقلاب مشروطه - دشمن محمد علی هیزای مستبد و قلم دست ملعونش شیخ مشروطه چی فضل الله توری)

تغلب تلویزیونی در پخش مراسم پانزده خرداد

تصویری که را دیدیم - تلویزیون بنا به مراسم نماز جمعه پانزده خرداد سال نشان داد، از آن خود این مراسم نبود بلکه تصویر اولین مراسم نماز جمعه به امامت آیت الله طالقانی بود. نیرنگ سالان حاکم با این جعل تلویزیونی میخواهند پیر بودن دانشگاه را از انبوه جمعیت نشان دهند، در حالیکه همه میدانند که بهنگام آمدن مردم بسوی دانشگاه پس از مدت کوتاهی، در حالیکه هنوز فضای دانشگاه بسیار خالی بود، درهای دانشگاه را بستند تا خیا با نهی اطراف پر شود و حالت "توده" میلیونی (!) "بخود بگیرد".

مرگ بر نوکری ابر قدرت ها در پرده دین

حقیقت
 ادگان
 اتحادیه کسبه و بازاریان ایران
 را بخوانید

هوشیار
باشید

موردگروگانهای آمریکائی اتفاق افتاد خواهد انجامید. در این رابطه حمله هواپیماهای اسرائیلی به عراق که احتمالاً زمینه را برای توجیه قطع جنگ توسط مستبدین وطنفروشان در عراق و در ایران فراهم میکند قابل توجه است.

امراروزافزون آقای رجائی برای تصدی بست وزارت خارجه، نقشه ای که تحت عنوان "حذف فرمان همایونی" برای اعمال حاکمیت بر خزانةهای کشور توسط دارودسته مستبدین وطنفروش بیا دهنده و اینک این چشمه آخری یعنی حذف رئیس جمهور از فرماندهی کل قوا همه حلقه های یک زنجیرند، زنجیری که برای به بند کشیدن ملت و ناسودی آزادی و استقلال میهن بافته شده است.

نجات انقلاب و میهن درگروا تحاد مردم و متشکل شدن و قیام بر علیه مستبدین حاکم است. کارگران کارخانه ها با تنگ اعتراض خود را بر علیه این خیانت بزرگ بردارید! کارگران چاپخانه ها، روزنامه فروشها، کارمندان و کارکنان را دیوتلوویزیون دست از کار بکشید و بگذارید که آوای شوم خیانت را در جامعه ما بدست شما انتشار دهند.

دانشجویان، دانش آموزان و آموزگاران، جوانان سراسر کشور، شما که همواره در نهضت های ملی و آزادیخواهانه ملت نقش بیشتا زویشا رت دهنده پیروزی را داشته اید، اینک وقت عمل است. به میان مردم بروید و خائنین و مستبدین را نکشت نمائید. مردم را به قیام فراخوانید و راه را برای توطئه های ابرقدرتها ببندید. بگذارید مستمگران بدانند که نسل انقلاب چگونه به دفاع از میهن و انقلاب برخاسته است! بازاریان و کارمندان ادارات، با تحن و عنصابت و برکزاری نظاهرات وفاداری خود را به سنت انقلاب مشروطه و انقلاب بهمن نشان دهید و بگذارید استبدادیان حاصل تلاش سالیان دراز را بر باد دهند.

سربازان، پاسداران، افسران و همه نیروهای مسلح، بخود تشبیه کنید! بستاندن در برابر مردم برای نیروهای مسلح هرگز عاقبتی جز جنگ ابدی نخواهد داشت. حال آنکه پیوستن به ملت و فدائی ملت شدن بزرگترین امتیاز برای هرسرباز میهن پرست خواهد بود.

برخیزید و ستم را تحمل نکنید

"میگویند وقتی شیخ فضل الله نوری از باغ شاه (محمد علی میرزای قاجار) بزمیگشت، به مریدان خود چنین گفت:

"فا تعد مشروطه را خواندیم و قهوه آنرا خوردیم" ولی او فراموش کرد اما فک کند: "و سر خود را بالای دار بردیم!"

"ما مجلسی میخواهیم که نمایندگان دلخواه مردم در آن نشسته و با آلام و احتیاجات دمکراسی آشنا باشند، نه یک دام خیانت و تزویر که در داخل خلافت تهران گسترانیده شده باشد"

(شیخ محمد خیا با نسبی)

برکناری بنی صدر از فرماندهی کل
قوا مقدمه سازش خفت بار
با آمریکا و تسلیم بخشی از
حاکم وطن به رژیم مزدور عراق است.

در ساعات آخر شب روز چهارشنبه ۲۰ خرداد آیت الله خمینی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور را از فرماندهی کل قوا برکنار نمود.

توطئه ای که یکسال پیش از این حسن آیت شاگرد با وفای کودتاگران ۲۸ مرداد ۲۲ طرحریزی کرده بود با یکسال تاخیر به سرمداری سران حزب جمهوری اسلامی و با اتکاء بر انحصار طلبی و مشروع گیری روحانیت و دست حتمی اجرا میشود.

این توطئه که با حمله به آزادی مطبوعات و اجتماعات و جمافداری بر علیه حقوق و آزادیهای مردم همراه است، زمینه ساز کودتائی و خیانت بر علیه انقلاب ایران است.

سعه های نوم "مرک بر مصدق" و "مرک بر ملی گری" که روز سه شنبه توسط او با ش درخبا با آنها سردا ده شده بود گواه بر نقشه های خائنانه ای است که در پس پرده ها طراحی شده اند. آنها که هر روز درخبا با آنها به مردم حمله میکنند و میگویند شما نه اعلام میکنند که "برای ما ملت مطرح نیست و اسلام مطرح است" در واقع حماق دستگاستی هستند که میخواهند حاکمیت استبدادی زیر سلطوی اسلام برقرار کنند و آنگاه در حجاب این ولایت راه را برای سلطه کامل امپریالیسم بر میهن ما هموار گردانند.

ست

این توطئه و ظن فروشانه برای خیانت ملی است

خبر تشکیل دیوان داوری لاهه برای رسیدگی به مسئله استرداد اموال ایران از آمریکا که درست در همین ساعات اعطای هیئت ایرانی آن از بلندگوهای حکومت جا رزده شد و این خبر همراه با انتخاب فرزندان آیت الله کاشانی برای سرپرستی هیئت ایرانی در این جلسات (۲۸ مرداد) فراموش نکنیم) بی شک با توطئه بستن روزنامه ها و هجوم به آزادیها مرتبط است.

این توطئه زمینه ساز خیانت در جنگ و تحویل

بخشی از خاک ایران به بعضی هاست

حذف بنی صدر از فرماندهی کل قوا به معنای برقراری سلطه و ظن فروشانه حزب برجیبه های جنگ است و یقیناً این توطئه به سازش در جنگ با عراق از نوع آن خیانت بزرگی که در